

شاخصه‌ها و آثار تلاوت معنامحور از دیدگاه آموزه‌های اسلامی*

علی اصغر شعاعی** و علی خانی***

چکیده

یکی از مهم‌ترین هنرهای اسلامی، هنر تلاوت قرآن کریم است که در کشورهای مختلف اسلامی از مقبولیت برخوردار است. از عوامل مهم ارتقاء و نیل به حق تلاوت و از مهم‌ترین آداب معنوی تلاوت، مسئله‌ی معنامحوری است. تلاوت معنامحور، تلاوتی است که بر اساس سیر معنا و مفهوم آیات تنظیم و اجرا شود. در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است، ضمن تبیین جایگاه معنامحوری، شاخصه‌های بارز آن، از قبیل تأثیرگذاری، خشوع و حضور قلب و نیز آثار مترتب بر آن، از قبیل تقدیس اهداف تلاوت، احیای جایگاه حقیقی قاری و إقراء قرآن کریم در جامعه، ایجاد فضای تفکر، تعقل و تدبر در محافل بررسی شده است. بر اساس این تحقیق، هر تلاوتی، مطلوب آیات و روایات کریمه نیست و رویکرد معنامحوری در تلاوت، اساس یک تلاوت مطلوب است، از این رو، توجه و اهتمام هر چه بیشتر نهادهای قرآنی و به تبع آن قاریان و حافظان قرآن کریم به تلاوت معنامحور امری ضروری است که منتهی به انس با قرآن در جامعه در سطوح عام و خاص آن می‌گردد.

واژگان کلیدی: تلاوت، آداب تلاوت، حق تلاوت، تلاوت معنا محور، قرائت، معنامحوری.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۲ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۳/۱۹.

** عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم (نویسنده مسئول): shaoei114@gmail.com

*** کارشناسی ارشد دانشگاه علوم قرآن ایلام: alihosein6528@gmail.com

مقدمه

تلاوت قرآن به مثابه یک عبادت مقدس، همواره مورد توجه قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام قرار داشته است. تلاوت قرآن نه تنها برای مسلمانان عادی، بلکه برای خاصان و مقربان درگاه الهی نیز لازم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همانند سایر مسلمانان در نمازش قرآن می خواند، برای تبلیغ دین قرآن را تلاوت می کرد (بقره/۱۵۱ و آل عمران/۱۶۴). در غیر این دو مورد نیز برای خود یا سایر مردم، تلاوت قرآن می کرد (نمل/۹۱ - ۹۲). ایشان همان طور که برای کتابت وحی اهمیت قائل بودند، به تلاوت قرآن نیز اهمیت بسزایی می دادند. بسیاری از بزرگان صدر اسلام، از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با صدای زیبا و لحن دل نشین خود، چنان قرآن را تلاوت می کردند که حتی مشرکان و دشمنان حضرت نیز جذب تلاوت ایشان می شدند، مولای متقیان نیز به کتابت و تلاوت قرآن مشغول بودند. تلاوت واقعی قرآن به معنای تصویرگری آیات است. همان گونه که صاحب کتاب «هنر قرائات قرآن کریم» به این موضوع اشاره نموده است، آنجا که می گوید: «تلاوت تأثیرگذار باید خواننده و شنونده را از نظر فکری، عاطفی و روحی با معنای وحی پیامیزد؛ زیرا هر لحظه از تلاوت، می تواند صحنه هایی از وحی را به تصویر کشد.» (نلسون، هنر قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۱۵).

اهتمام مسلمانان نسبت به تلاوت قرآن، رفته رفته سبب شد تا تلاوت قرآن به هنری بی بدیل، تبدیل شود که تفاوتی عمیق با سایر هنرهای آوایی مذهبی دارد. هنری که هنرمندانش با عشق لبریز و سوزی کامل، به اجرای آن می پردازند. نه تنها خود، سراپا غرق در انوار آیات الهی اند که به شنوندگان حاضر و غایب نیز محبتی وصف ناپذیر نسبت به قرآن کریم، هدیه می کنند.

تلاوت تخصصی قرآن کریم در کشور اسلامی ما نیز، خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نمود بیشتری پیدا کرده و ایران اسلامی شاهد ظهور نخبگان بسیاری در این عرصه بوده است. آوای قرآن و به عبارتی، صوت خداوند متعال در تلاوت و اقراء واضح و بی پیرایه قرآن است که تجلی می یابد و قاری قرآن را در مقابل وظیفه و رسالت خود قرار می دهد. در مقاطعی از تاریخ تلاوت در بعضی از کشورهای اسلامی، گروهی از قاریان ممتاز قرآن، به صورتی نسبی از عهده ای ادای این رسالت برآمده اند و حضور آنان در محافل و تلاوت آنان برای عموم توانسته است، قرین موفقیت های خوبی شود. آنان توانستند شمار زیادی از الفاظ و عبارات قرآنی را در گوش توده های انبوه مردم، در کشور خود و فراتر از آن بنشانند.

از جمله موضوعاتی که به بهبود در وضع تلاوت و نیل به حق تلاوت کمک شایانی می‌کند، تلاوت قرآن با توجه و عنایت به معانی آیات یا به عبارتی، معنامحوری در تلاوت است. قاری قرآن فقط صدای پیشه نیست؛ بلکه در واقع، واعظ و تصویرگر آیات است. قاری باید با به‌کارگیری تمام امکانات صوتی و لحنی، مستمع را با فضای آیات آشنا کرده و حظ معنوی استماع تلاوت را به وی بچشاند. اگر آیه بشارت می‌دهد در مقام مُبَشِّر و اگر انذار می‌دهد، در مقام منذِر و هشدار-دهنده باشد. این مسئله مستند روایی نیز دارد. در مورد چگونگی تلاوت امام کاظم علیه السلام نقل شده که وقتی قرآن می‌خواندند، گویی انسانی را مخاطب محتوای آیات قرار می‌دادند. «كَانَتْ قِرَاءَتُهُ حُرْنًا قَادًا قَرَأَ فَكَانَتْهُ يَخَاطِبُ إِنْسَانًا.» (کلینی، الکافی، ۴۰۷ ق: ۶۰۶/۲).

بر این اساس، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا شاخصه‌های معنامحوری در تلاوت قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به منابع مکتوب و نیز آثار به‌جامانده از تلاوت‌های اساتید نسل اول تلاوت مصر (بعد از سال ۱۹۳۴ میلادی) مشخص می‌گردد که توجه به معنامحوری در بین قدمای قاریان بیشتر از نسل امروزی است. بی‌شک توجه هر چه بیشتر مستمعان به مفاهیم ارزشمند آیات و متذکر شدن آنان، می‌تواند مقدمه‌ی تلاش برای عمل به فرامین، احکام و دستورات الهی هست. این فرهنگ تذکر، هنگامی که در قالب یک هنر مقدس و زیبا ارائه شود، مطمئناً سریع‌تر ترویج یافته و با اقبال عمومی بیشتری همراه می‌شود. این مهم مستلزم تخلُّق قاریان به اخلاق قرآنی، آشنایی و تسلط آنان بر فنون القاء معانی در تلاوت و نیز آشنا ساختن عامه‌ی مردم با زبان عربی و به‌تبع آن آشنایی با معانی و مضامین آیات قرآن کریم و افزایش سطح آگاهی آنان نسبت به تلاوت معنامحور است.

در این تحقیق که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به کتاب‌ها، مجلات، مقالات علمی و سایر منابع مرتبط با موضوع پژوهش انجام شده است، سعی بر این است که با بررسی جایگاه معنامحوری، به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذاری تلاوت، شاخصه‌های بارز و آثار مترتب بر آن را مورد بررسی قرار گیرد که این مهم گامی در جهت ادای حق تلاوت است.

الف. مفهوم شناسی

۱. تلاوت

«تلاوت»، از ریشه (تلو) در لغت به معنای متابعت است (فراهیدی، العین، ۱۴۰۹ ق: ۸/۱۳۴). به نوشته ابن فارس این ریشه یک معنا بیش ندارد و آن درپی آمدن (اتباع) است و چون در خواندن قرآن آیات درپی یکدیگر می‌آیند، به آن تلاوت قرآن گفته شده است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ ق: ۳۵۱/۱). لفظ تلاوت فقط یک‌بار در قرآن آمده است: ﴿الَّذِينَ

آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ...» (بقره/۱۲۱)؛ «کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم، [یهود و نصاری] آن را چنان که شایسته آن است، می خوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می آورند.»؛ اما این واژه به همراه مشتقات آن، ۶۱ بار در ۵۱ آیه قرآن کریم ذکر شده است. به گفته‌ی راغب، عمدتاً مشتقات آن برای خواندن مطالبی به کار رفته که پیروی از مضامین آن‌ها ضروری است. «التَّلَاوَةُ تختص باتباع كتب الله المنزلة.» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ ق: ۱۶۷).

واژه «تلاوت» تنها در باره کتاب‌های آسمانی به‌ویژه قرآن کریم به کار می‌رود که با احترام و تکریم همراه است و پس از خواندن، عمل به مضامین آن نیز لازم است (همان: ۶۶)؛ ولی «قرائت»، در خواندن هر نوشته‌ای به کار می‌رود (عسکری، الفروق فی اللغة، ۱۴۰۰ ق: ۱۸). همچنین «قرائت» در خواندن یک کلمه نیز به کار می‌رود، ولی تلاوت درباره دو کلمه و بیشتر است (همان: ۱۸). با توجه به معانی ذکر شده، می‌توان نتیجه گرفت، هر تلاوتی، قرائت است؛ اما هر قرائتی، لزوماً تلاوت محسوب نمی‌شود. از طرفی معمولاً تلاوت جایی به کار می‌رود که مطالب قرائت شده، وجوب پیروی و تبعیت را در پی دارد.

برخی از کاربردهای قرآنی واژه‌ی «تلاوت» عبارت‌اند از: دنبال کردن و به دنبال چیزی آمدن ﴿وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا﴾ (شمس/۲)؛ متابعت و دنبال کردن الفاظ و معانی ﴿يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾ (آل عمران/۱۱۳)؛ خواندن بر دیگران ﴿وَ أَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ آدَمَ بِالْحَقِّ...﴾ (مانده/۲۷)؛ خواندن آیات ﴿أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ...﴾ (عنکبوت/۴۵).

ویژگی‌های تلاوت را به‌عنوان یکی از مراحل انس با قرآن می‌توان این‌گونه برشمرد: ۱. همراهی و تبعیت پیامبر اکرم ﷺ عبارت «يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» را به «يَتَّبِعُونَهُ حَقَّ اتِّبَاعِهِ» تفسیر فرموده‌اند (سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۱۴۰۴ ق: ۱/۲۷۲)؛ ۲. اثرپذیری ﴿وَ إِذَا نُفِثَ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (انفال/۲)؛ ۳. موجب تقویت ایمان ﴿يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ...﴾ (بقره/۱۲۱).

تلاوت در اصطلاح رایج میان اهل این هنر، تقریباً معادل قرائت شناخته می‌شود و به‌گونه‌ای از خوانش آیات قرآن کریم گویند که دارای ویژگی‌های خاصی از حیث قواعد و احکام تجوید، وقف و ابتدا و نیز شیوه‌ی بکارگیری اصوات و الحان مربوطه است. قاریان مصری را می‌توان سرآمد تلاوت قرآن در دنیا قلمداد کرد. چنان‌که گفته‌اند: «سنت خاص تلاوت مصری از محبوبیت بی‌نظیر، اعتبار و قدرت خاصی در سراسر جهان اسلام برخوردار است و این سبک با تکیه بر چنین پیشینه‌ای، سرلوحه‌ی هنر تلاوت قرآن کریم است.» (نلسون، هنر قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۲۶).

۲. تلاوت معنامحور

اصطلاح «تلاوت معنامحور» در دهه‌ی اخیر به علت احساس ضرورت توجه خاص به معنا و محتوای آیات در هنگام تلاوت، در بین قاریان و اساتید قرآنی رواج پیدا کرده است. در تعریف تلاوت معنامحور گفته شده است، تلاوتی که همراه با رعایت ارکان تلاوت یعنی تجوید، صوت، لحن و وقف و ابتداست و درعین حال، قاری قرآن به مفاهیم و تصویرگری آیات اهتمام شایسته دارد (عارف حسینی، ویژگی‌های تلاوت استادانه، ۱۳۹۲: ۱۳۲). ازاین‌رو، تلاوت معنامحور، تلاوتی است که بر اساس سیر معنا و مفهوم آیات تنظیم و اجرا شود. بدیهی است، تلاوت و قرائت، زمانی بیشترین اثر مطلوب را دارا خواهد بود که با عنایت به معنا و تدبر در معانی آن صورت پذیرد. خواندن بدون تفکر در معانی قرآن و فهم حداقل معنای الفاظ آن، چندان کارگشا نخواهد بود.

روایات و احادیث بی شماری که درباره اهمیت و فضیلت قرائت و تلاوت قرآن وارد شده است، قطعاً ناظر به خواندن همراه با فهم معانی آنچه خوانده می‌شود نیز بوده است. دراین‌باره از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمودند: «آيَاتُ الْقُرْآنِ حَزَائِنٌ كُلَّمَا فُتِحَتْ حَزَائِنُهُ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ فِيهَا (حرّ عاملی، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ۱۴۱۴ ق: ۳/ ۷۲)؛ آیات قرآن گنجینه‌هایی‌اند، هر وقت گنجینه‌ای گشوده شود، شایسته است که به‌دقت در آن بنگری.»

اصلی‌ترین جوهر و دست‌مایه اساسی از تلاوت قرآن، آشناسازی و توجه‌بخشی مخاطبان تلاوت نسبت به مفاهیم، معانی و انس با مفاهیم عالی قرآن است. در تلاوت معنامحور، مستمع رزق معنوی خود را به‌سان یک مجلس وعظ و چه‌بسا فراتر، از طریق برقراری ارتباط مناسب با آیات قرآن کریم و درک معارف والای آن به‌واسطه‌ی هنر قاری قرآن دریافت می‌کند. ازاین‌رو، تلاوت معنامحور منتهی به انس با قرآن در جامعه، در سطوح عام و خاص آن می‌گردد، آن‌چنان انسی که در فرهنگ و سبک زندگی مردم تأثیری بسزایی داشته باشد. اساساً در هر حوزه‌ای در انتقال معنا و مفهوم و داده علمی به‌موازات اتصال به موضوع و ورود در آن و یکی شدن با آن دایره، اثرگذاری تغییر می‌کند. چنان‌که اگر معلمی در کلاس مطلبی را بیان کند که به آن باور دارد، قطعاً در تأثیرگذاری آن بر دانش‌آموزان نقش خواهد داشت. ازاین‌رو، می‌توان گفت: تأثیرگذاری در تلاوت معنامحور، منوط بر دو مؤلفه‌ی اساسی است، باورهای درونی قاری که عوامل معنوی بسیاری در آن مؤثر است؛ و میزان تسلط قاری بر ملزومات و فنون القاء معانی آیات که مربوط به هنرهای صوتی و لحنی تلاوت است.

ب. شاخصه‌های تلاوت معنامحور

۱. تأثیرگذاری

یکی از ویژگی‌های قرآن کریم، تأثیرگذاری آن بر شنوندگان آن است. قرآن کریم این ویژگی مهم را این‌گونه یادآور شده است: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا تَتَشَعَّرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ...﴾ (زمر/۲۳)؛ «خداوند، زیباترین سخن را به صورت کتابی متشابه که متضمن وعده و وعید است، نازل کرد. آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد، سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد.» و در ادامه‌ی آیه این ویژگی را مظهر هدایت خود بیان می‌کند: ﴿ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾؛ یعنی این حالت جمع شدن پوست از شنیدن قرآن که به ایشان دست می‌دهد و آن حالت سکونت پوست‌ها و قلب‌ها در مقابل یاد خدا، هدایت خداست، این تعریف دیگری برای هدایت، از طریق لازمه آن است.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱۷/۳۸۹).

همچنین می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ...﴾ (مانده/۸۳)؛ «و چون آنچه را به‌سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند. می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم ایشان سرازیر می‌شود.»

این ویژگی، در عصر حاضر، در تحقیقات میدانی در شنیدن قرآن و تأثیرگذاری آن بر دل‌ها و اثرات روحی و روانی آن حتی در کاهش دردها نشان داده شده است.

تلاوت آرمانی قرآن باید قاری و مستمع را از نظر فکری، عاطفی و روحی با معنای وحی پیامیزد، زیرا هر لحظه از تلاوت، تجسم آن لحظه از وحی است. بنابراین، کسی که خالصانه در قرائت شریک می‌شود، غالباً و البته باید، با توجه به شگفتی و زیبایی رخداد تلاوت، هیبت پروردگار و فروتنی در برابر نیروی مطلقش، دگرگون شود و بگرید.

تلاوت معنامحور می‌تواند نقش قابل توجهی در تأثیر افزایش آیات بر شنودگان داشته باشد. رعایت شایسته‌ی تمامی ملزومات معنامحوری در تلاوت، تأثیرگذاری را به یکی از شاخصه‌های بارز این مکتب از تلاوت قرآن تبدیل می‌کند. علاوه این‌که این تأثیر، تأثیری ماندگار و کارآمد است. علت این ماندگاری را می‌توان تلفیق و درآمیختگی معارف والای وحی و هنر خوش‌خوانی قاری قرآن دانست که موجب خلق اثری بی‌نظیر می‌گردد. این در حالی است که تأثیر تلاوتی که فقط صوت و لحن زیبا در آن مورد توجه قرار گرفته است، چند لحظه و فقط در همان مجلس تلاوت است.

قاری، به نوعی می‌بایست عدالت را در فرایندهای یک تلاوت رعایت کند تا مستمع پس از پایان تلاوت، حداقل چند آیه از آن تلاوت را در ذهن داشته باشد. اگر مستمع بعد از شنیدن آیات، صرفاً نغمات را در ذهن داشته باشد، بیانگر این است که خود آیات در این تلاوت نقشی نداشته، بلکه به خدمت نغمات درآمده‌اند. در خصوص صوت نیز به همین صورت است. تلاوتی استادانه است که بعد از آن تلاوت، زیبایی صوت و آیات، همزمان در ذهن شنونده تداعی شود که اگر این‌گونه شد، می‌شود مصداق این فرمایش مقام معظم رهبری که فرمودند: «یک آیه را که شما خوب می‌خوانید، گاهی از یک ساعت سخنرانی یک نفر دربارهی آن آیه بیشتر ارزش دارد، یعنی این تلاوت واقعاً انقلابی در روح ایجاد می‌کند (سایت khamenei.ir، بیانات در جلسه‌ی تودیع با شیخ راغب مصطفی غلوش و شیخ محمد بسیونی، ۱۳۶۸/۱۲/۱۱).

تحقق یا عدم تحقق مسئله‌ی تأثیرگذاری، یکی از راه‌های تشخیص تلاوت معنا محور از غیر آن است. در تاریخ اسلام، مردان و زنانی بسیار بوده‌اند که با شنیدن یک آیه منقلب شده و مسیر زندگی خود را پیدا کردند و توانستند با درک عمیق آیه، با جان و دل خود راه صدساله را در یک‌شبه بپیمایند. چنانچه مرد بادیه‌نشینی نزد رسول گرامی اسلام ﷺ آمده و از وی می‌خواهد که برای او قرآن تلاوت کند، وقتی آیات ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزال/ ۷-۸)؛ از سوره‌ی زلزال بر او تلاوت می‌شود، مرد ناگهان برمی‌خیزد و می‌رود. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «تکفیه هذه الایه رجع فقیهاً (عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵ ق: ۵/ ۶۵۰)؛ این آیه او را کفایت کرد و درحالی‌که فقیه شد، بازگشت.» از این‌رو، اگر انسان آماده باشد، فهم یک آیه هم می‌تواند در او انقلاب ایجاد کند. انقلابی که او را به درک والایی از قرآن برساند.

خانم نلسون، در این مورد از مشاهدات خود می‌گوید: «هنگامی‌که قرائت آیات پر معنا و والا آغاز می‌شود، شنوندگان به قاری توجه می‌کنند. ناگهان، نیروی این عبارت‌ها، عواطف پراکنده‌ی جمعیت را به خود جلب می‌کند و آن را مثل موجی عظیم به جلو می‌رانند. پس از قرائت یک عبارت، حاضران و شنوندگان به‌آرامی بر زمین می‌نشینند و با اوج گرفتن عبارت بعدی، از جایشان برمی‌خیزند. تلاوت ادامه می‌یابد و اوج می‌گیرد. مردی چهره‌اش را در میان دستانش پنهان می‌کند. دیگری به‌آرامی می‌گیرد. برخی شنوندگان، حالتی دردمند به خود می‌گیرند، درحالی‌که برخی دیگر در فاصله‌ی بین عبارت‌ها، با فریادهایی به تحسین قاری می‌پردازند. گذر زمان نامحسوس است.» (نلسون، هنر قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۲۶). او درجایی دیگر از تأثیر تلاوت بر اسلام آوردن یک غیرمسلمان می‌گوید: «فردی آمریکایی با شنیدن

قرائت پنج دقیقه‌ای شیخ رفعت از رادیو، چنان منقلب شد که به مصر رفت، تعلیم دید و مسلمان شد.» (همان: ۲۰۶). داستان‌های زیادی مبتنی بر گرویدن مسیحیان و یهودیان به اسلام وجود دارد که دلیلش شنیدن قرائت مطلوب و زیبای قاری است.

کمال نجمی، در توصیف تلاوت شیخ محمد رفعت می‌گوید: «صدای شیخ رفعت، لبریز از خشوع و اشک و حزن بود و موجب جاری شدن اشک مخاطب و برانگیختن فروتنی او می‌شد. وی برای مدت طولانی اشک آنان را جاری و دل‌هایشان را با آیات الهی دربارهی پاداش و کیفر نرم می‌کرد، به نحوی که در پایان زندگی‌اش نیز اشکشان را جاری کرد و ایشان برای صدایش می‌گریستند.» (نجمی، اصوات و آغانی عربیه، ۱۹۶۸ م: ۱۶۸).

تأثیر صوت و لحن به‌عنوان ابزاری که مخاطب را متوجه معنا کند، در طول تاریخ مکرر به‌کاررفته است. حتی معتقدان به مکتب ماتریالیست و منکران اصل توحید و نبوت، با شنیدن صوت خوش قرآن، تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. در واقع شروع این تأثیر، بر اثر یک کار هنری و از احساسشان بوده است؛ اما منجر به یک تأثیر معرفتی شده است به‌گونه‌ای که تنها در یک کشور آفریقایی، پس از استماع تلاوت یکی از قاریان طراز اول مصری، بیش از نود نفر از غیرمسلمانان به دین مبین اسلام مشرف می‌شوند (شاه‌میوه اصفهانی، هنر تلاوت، ۱۳۸۹: ۱۴۸). جریان این معنویت و تأثیر، در برخی از قراء قدیمی مصر به‌قدری قوی و عمیق است که حتی پس از گذشت سال‌ها از مرگ آنان، هنوز هم استماع تلاوت‌های آنان، روح و قلب شنوندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲. حس مناسب

صوت و لحن و سبک تلاوت هر قاری، برگرفته از حس و درونیات اوست که نقش آن در تلاوت بسیار مهم است. حس است که فضای تلاوت را تعیین می‌کند و در میان نغمات ذخیره شده در حافظه‌ی لحنی، برخی را به اقتضاء شرایط درونی و بیرونی برمی‌گزیند. حس، برآیند شخصیت، روحیات، دانش، خلاقیت، خواطر و تمامی مسائل درونی شخص و ارتباطش با دنیای بیرون است که حاصلش یک نغمه و زمزمه‌ی درونی است. به‌طورکلی در اجرای کارهای حسی و ارتباطی و هنری مثل تلاوت قرآن، هرگاه مغز به‌طور مستقیم مشغول شود، جای حس و ارتباط را می‌گیرد. در تلاوت قرآن هم، اندیشه در بین اجرای الحان و مشغول نمودن ذهن، مانع انتقال مفهوم و پیام نغمه و در نهایت مانع رساندن پیام آیه می‌شود. آشنایی با آیه حتی در سطح ترجمه، شأن نزول و شناخت فضای آیه، ناخودآگاه حس و حال مناسب را برای انتقال مفاهیم در قاری پدید می‌آورد.

شاید، مهم‌ترین جلوه‌گاه احساس یک قاری، طنین صدای او باشد. یعنی طنین صدای قاری تابعی از احساسات اوست. نویسنده‌ی کتاب «دانش صداسازی و خواندن» می‌گوید: «طنین صدای، انسان مانند اثر انگشتش، یگانه است. همواره طنین یا صدای اختصاصی افراد به اندازه‌های خاص مجرای گفتار و قسمت‌های دیگر اندام صوتی‌شان ارتباط دارد. هرچند برخی ویژگی‌های طنینی ثابت‌اند؛ اما با وجود این محدودیت‌ها، می‌توان طنین یا رنگ صدا را به‌طور گسترده‌ای تنوع بخشید، یعنی می‌توان صدایی شاد، معترض، سبک، سنگین و مانند آن-ها ساخت.» (پینکستر بور، آواز خوانی، ۱۳۹۴: ۶۵)؛ که در تلاوت مطلوب، این تغییر و تنوع طنین صدا برخاسته از احساسات عمیق ناشی از برقراری ارتباط با معانی و مفاهیم آیات است. کاشفی، در خصوص بیان احساس در لحن شیخ مصطفی اسماعیل می‌نویسد: «او در بیان احوال و احساس بسیار تواناست، حزن را همان اندازه خوب بیان می‌کند که شور و شغف را و استحکام و حماسه را آن‌چنان‌که لطف و لینت را و در بیان داستان بی‌نظیر است. مثلاً در سوره‌ی آل‌عمران، آیات کریمه را هنگامی که به آیه‌ی: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ...﴾ (آل‌عمران/۱۸۵) می‌رسد، با حزنی توصیف ناشدنی قرائت کرده و در سوره مبارکه کهف، پس از آیه ۲۹ که توصیف ظالمین است، آیه بعد را که در خصوص مؤمنان است، چنان تلاوت کرده که بشارت و اطمینان به حدوث آن، همه‌ی وجود انسان را در برمی‌گیرد و آن هنگام که آیه ۳۱ به آخر می‌رسد: ﴿...يُعَمَّ الْقَوَابُ وَ حَسُنَتْ مُرْتَفَقًا﴾ (کهف/۳۱) شور و فرح ناشی از فضل الهی را در همه‌ی وجود انسان اشراب می‌کند.» (کاشفی، هندسه روحانی و لطایف بیانی در قرائت قرآنی، ۱۳۸۸: ۳۸).

مسئله‌ی بسیار مهمی که متناسب با تلاوت الفاظ قرآن و نه قرائت خطوط آن هست، نظام صوتی تازه و تنظیم شده‌ی آن بر اساس آهنگ و ریتم است که قبل از تأثیر بر وجودشان، بر شعور و فهم آنها مؤثر می‌افتد. صاحب کتاب التمهید می‌نویسد: «ولذا پیامبر اسلام ﷺ فرمودند که قرآن را به آهنگ و لهجۀ عرب قرائت کنید تا زمینه‌ی تأثیر بر نفوسشان باشد و این موضوع محقق نخواهد شد؛ مگر در صورتی که تلاوت به صورت جهر و با صدای بلند و مبتنی بر سیاق لحن‌الاداء باشد، نه آهسته و نهان، مضاف بر این، با لحن‌الادائی که در آن تعبیری همچون کوبندگی و استحکام، شدت و ترس، بشارت و انذار، حسرت و حزن و آنچه در این قالب‌های احساس است، رعایت شود که در قالب لهجه‌های صوتی مناسب با هر کدام امکان‌پذیر خواهد بود.» (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۲۸ ق: ۱۴/۵).

در واقع، قاری قرآن، برای انطباق تلاوت با موضوع، نیازمند حس لازم و داشتن حالت‌های مطابق با مسئله است که بدون آن، مفهوم موردنظر یا واقع نمی‌شود و یا برداشت صحیحی از جمله و آیه حاصل نخواهد شد.

برای مثال، اگر شخصی به هنگام عرض تسلیت به فرد معزّی، حالت مناسب را در گفتار نداشته باشد، به‌عنوان مثال، به هنگام بیان احساسات خود، بگوید من این مصیبت جانکاه را صمیمانه به شما تسلیت عرض می‌کنم؛ اما در موقع گفتن این جمله، حالت تبسم و شادی داشته باشد؛ و یا کسی بخواهد به دیگری مناسبت مسرت‌بخشی را تبریک بگوید؛ اما حالت حس‌عزا به خود بگیرد، طبیعتاً در هر دو حالت، چنین گویشی مردود است و علت آن عدم تطابق حس و حالت مناسب با جمله‌ی موردنظر است. بنابراین در جملات قرآنی مانند: ﴿وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكْتُ فَلَبَسَ رَنَاهَا بِاسْحَاقٍ وَ مِنْ وَرَاءِ اسْحَاقٍ يَعْقُوبُ﴾ (هود/۷۱)؛ «و همسرش ایستاده بود، (از خوشحالی) خندید؛ پس او را بشارت به اسحاق و بعد از او یعقوب دادیم.» که دو امر خنده و بشارت بیان شده‌اند، نباید با حالت حزن و اندوه تلاوت شوند. یا آیه‌ی «وَ اعْفُ عَنَّا وَ اعْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا...» (بقره/۲۸۶)؛ و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده.» یا آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ جَاهَدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ...» (توبه/۷۳)؛ «ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر.» از جهت حس و حالت‌های درونی، بیرونی و لفظی یکسان تلاوت نمی‌شوند. یا اگر قاری صدای خود را در عبارت ﴿وَ لِّلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (بقره/۱۰۴)؛ «و برای کافران (و استهزاء کنندگان) عذاب دردناکی است.» کاملاً محزون نماید و با احساس غم و اندوه آیه را تلاوت کند، آیا این تلقی و القاء را ندارد که گویی دل قاری برای عذاب کافران سوخته و متألم شده است؟ گویی که کافران مورد ظلم واقع شده‌اند، درحالی‌که معنای آیه این‌گونه نیست.

۳- لحن بیانی^[۱] متناسب با آیات

دکتر ابراهیم انیس، در کتابش «الأصوات اللغویه» به تنغیم (لحن بیانی) اشاره‌ی مختصری کرده است. بعد از او شاگردانش به‌طور گسترده‌ای در این زمینه پژوهش کردند. البته نحویان بزرگی مانند ابن جنی، ابن یعیش، الرمانی، زرکشی و... قرن‌ها قبل، به این موضوع اشارات مستقیم و غیرمستقیمی کرده‌اند. تنغیم، نزد ابراهیم انیس، موسیقی کلام است. او می‌گوید: «انسان به هنگام سخن گفتن به زبان مادری، در ادای تمامی آواها، از یک زیروبمی واحد، پیروی نمی‌کند. تسلسلی که در زیروبمی صدا مشاهده می‌شود، تابع نظام خاصی است که در

هر زبانی فرق می‌کند و هرکس که می‌خواهد زبانی را یاد بگیرد، باید آن نظام را نیز فراگیرد. در غیر این صورت، سخن گفتن به آن زبان، سبک خود را از دست می‌دهد و از تلفظ مخصوص آن دور می‌شود.» (انیس، آواشناسی زبان عربی ۱۳۸۴: ۱۶۰).

در تعریفی دیگر گفته شده: «التنغیم، هو تغییر فی الأداء بارتفاع الصوت و انخفاضه فی أثناء الكلام العادی للدلالة علی المعانی المتنوعة فی الجملة الواحدة.» (موسوی، علم الاصوات اللغویه، ۱۴۱۹ ق: ۱۳۴)؛ یعنی تنغیم، عبارت است از تغییر در ادا، با بالا بردن و پایین آوردن صدا در خلال کلام معمولی برای بیان معانی متنوع در یک جمله‌ی واحد.

همچنین گفته‌اند: «هرگاه دامنه‌ی گسترده‌ی انواع زیروبمی در امتداد زنجیره‌ی گفتار محدود به جمله باشد، به آن آهنگ گفتار می‌گویند.» (یاوری، ساز حنجره، ۱۳۹۶: ۳۲۴).

برخی نیز بر این باورند که تنوع آهنگ‌های گفتاری^[۲] مبحثی صوتی است که پیرامون خیزش صوت و افت آن و نیز مستقیم بودن آن صحبت می‌کند و به صورت نسبی می‌تواند در ابراز معانی موردنظر، نقش داشته باشد (عکاشه، التحلیل اللغوی، ۲۰۰۱ م: ۴۹).

آهنگ در گفتار، به این معناست که تغییراتی آهنگین به‌طور متناوب در صوت اتفاق می‌افتد که گاهی صوت از زیر به بم و گاهی از بم به زیر منتقل می‌شود و این زیروبمی‌های متناوب صوت باعث ایجاد آهنگی می‌شود که معانی را رساتر به گوش مخاطب می‌رساند و مانع از ایجاد ابهام در ذهن شنونده می‌شود. این افت و خیزهای صوتی، تابع حالت گوینده است که با چه حسی سخن را بیان می‌کند. از همین آهنگ است که می‌توان گفتار همراه با رضایت، اعتراض، خشم، ناامیدی، امید، شک، یقین، تکبر، تواضع، سؤال، تعجب، نفی و اثبات و... را مشخص کرد.

حالت‌های ترس و وحشت، خوف و تهدید، ناامیدی و یأس، پریشانی، تنفر، انزجار و بیزاری، حالت‌های رضایت‌مندی، رغبت، شوق، امید، آرزو، عشق، علاقه، بیان آرزوها و اهداف پسندیده، دعا، نفرین، انذار، داستان، روایت سرگذشت و ده‌ها سرفصل دیگر، در لحن بیانی متبلور می‌شود.

۴. ایجاد خشوع و حضور قلب

با عنایت به آیه‌ی ۱۲۱ سوره‌ی بقره، یکی از ویژگی‌های تلاوت مطلوب از نظر قرآن، رعایت ادب خشوع در تلاوت است. گرچه عنوان خشوع در منابع دینی وجود ندارد، می‌توان آن را از توصیف مؤمنان به این‌که در نماز خاشع‌اند، برداشت کرد؛ زیرا یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده‌ی نماز، تلاوت قرآن در آن است و خشوع در نماز، مستلزم خشوع در تلاوت نیز

خواهد بود. در معنای خشوع آمده است: خشع خشوعاً: اذا خضع و خشع فی الصلاة و دعائه: اقبل به قلبه علی ذالک (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۸: ۳/۶۰).

از مهم‌ترین ویژگی‌های تلاوت معنامحور، خشوع و توجه قلبی در تلاوت است. رسول اکرم ﷺ در مورد این که چه کسی نیکوتر از دیگران قرآن را تلاوت می‌کند، فرموده‌اند: «مَنْ إِذَا سَمِعَتْ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق: ۸۹/۹۰)؛ کسی که هرگاه تلاوت او را بشنوی، بینی که خشیت الهی دارد.»

مظاهر خشوع در تلاوت معنامحور را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. حضور قلب

حضور قلب را می‌توان در دو محور تبیین کرد:

اول. حضور قلب نسبت به اصل عمل: به این معنی که قاری قرآن توجه داشته باشد که در حال خواندن کتاب خدا است و خواننده‌ی آن، در محضر خدا و مورد توجه خاص اوست. در سوره یونس آمده است: «وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ» (یونس/۶۱)؛ «در هیچ حال (و اندیشه‌ای) نیستی و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی‌کنی و هیچ عملی را انجام نمی‌دهی، مگر اینکه ما گواه بر شما هستیم، در آن هنگام که وارد آن می‌شوید.» با آن که هر کاری که انسان انجام می‌دهد، پیش چشم تیزبین خدای متعال است، مشهود بودن تلاوت قرآن همراه با عنایت خاص، مورد توجه و اشاره قرار گرفته است. طبیعی است که وجود چنین حالتی در قاری قرآن، به تلاوت او رنگ و بوی دیگری خواهد بخشید.

دوم. حضور قلب نسبت به محتوای عمل: به این معنی که شخص قاری، علاوه بر توجه به این نکته که در مقابل چشم خدا قرار دارد، به محتوای آنچه می‌خواند نیز توجه کافی داشته باشد. حضور قلب به این معنی، متوقف بر آشنایی ویژه با معانی کتاب خداست، کسی که با معانی این کتاب بزرگ بیگانه است، نمی‌تواند حضور قلب به معنی دوم را در خود ایجاد کند، گرچه حضور قلب به معنی اول را در بالاترین حد آن دارا باشد. ازاین‌رو، تلاوتی خاشعانه و اثرگذار است که از حضور قلب به هر دو معنی برخوردار باشد.

۲. آرامش و طمأنینه

در مقایسه اللغه، ذیل خشوع آمده است: خشع: أصل واحد، يدلُّ علی التَّطَامُن، يقال خَشَع، إِذَا تَطَامَنَ وَ طَأْطَأَ رَأْسَهُ (ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ۱۴۰۴ ق: ۱/۱۸۲).

شیوه‌ی ورود و خروج قاری به کرسی تلاوت و حتی نوع و رنگ لباس او می‌تواند در تداعی آرامش مؤثر باشد. استفاده از لباس‌های با وقار و خصوصاً عبا که نشانه‌ی آرامش و طمأنینه شخص است، به تقویت این شاخصه در تلاوت قرآن کمک می‌کند. آرامش بدن قاری در هنگام تلاوت نیز در این زمینه مؤثر است. در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ در مورد کسی که هنگام نماز با محاسن خود بازی می‌کرد، آمده است: «**إِنَّمَا إِنَّهُ لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ**» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق: ۲۲۸/۸۱)؛ اگر قلبش خاشع بود، اعضا و جوارحش نیز خاشع می‌بود. مکث کافی در میان تلاوت و هنگام وقوف نیز از عوامل تداعی‌گر آرامش در تلاوت به شمار می‌رود. از این رو، می‌توان از مواردی که وصل و وقف جائزالوجهین است، وقف را از وصل بهتر دانست؛ زیرا وقف‌های متعدد، نشان آرامش قاری و شتاب نداشتن او برای تمام کردن تلاوت است.

۳. پرهیز از حرکات نامتعارف

به نظر نگارنده، استفاده از حرکات دست برای تفهیم معانی، اگرچه در خواندن مقاله یا متون ادبی زیبا و مؤثر است، در تلاوت قرآن امری مذموم و منافی با خشوع در تلاوت است؛ زیرا اگرچه قاری در حال خواندن کلامی معنادار و در مقام تفهیم آن است، چون خود وی نیز مخاطب این کلام است، باید آرامش متناسب با مقام استماع را نیز در خود ایجاد کند. از این رو، کاری سخت است، چراکه هم باید ویژگی انتقال معانی را در مقام خواننده‌ی کلام دیگری دارا باشد و هم آرامش ویژه‌ی شنونده کلام الهی را در مقام یکی از مخاطبان این کلام.

۴. فروافتادگی نگاه

بر اساس قرآن و شواهد لغوی، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های خشوع، فروافتادگی نگاه و شکستگی و فروتنی است. در لسان العرب در تعریف خشوع آمده است: «**خَشَعٌ يَخْشَعُ خُشوعاً وَاخْتِشَاعٌ وَتَخَشُّعٌ**؛ رمی ببصره نحو الأرض و غَضَّة و خَفَضَ صوته» (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق: ۷۱/۸)؛ خشوع، به این معنی است که انسان نگاه خود را بر زمین افکند و چشم را فروبندد. همچنین نگاه زیاد به شنوندگان، از موارد منافی خشوع به شمار می‌رود.

تجلی خشوع در اعضای ظاهری و باطنی انسان امری است که قرآن کریم بر آن مهر تأیید نهاده است.

۱. **خَشوع قلب: ﴿أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ﴾** (حدید/۱۶)؛ «دل‌های مؤمنان در برابر ذکر

خدا و آنچه از حق نازل کرده است، خاشع گردد.»

۲. خشوع صدا: ﴿وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ...﴾ (طه/۱۰۸)؛ «و همه صداها در برابر (عظمت) خداوند رحمان، خاضع می‌شود.»
۳. خشوع دیده: ﴿خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ...﴾ (قلم/۴۳)؛ «چشم‌هایشان از شرم و وحشت به زیر افتاده.»
۴. خشوع چهره: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ﴾ (غاشیه/۲)؛ «چهره‌هایی در آن روز خاشع و ذلت‌بارند.»
- قلب انسان، آمادگاه خشوع و صدور آن به سایر اعضا، از جمله صوت، چشم و چهره است. به عبارت دیگر تا قلب خاشع نشود، دیگر اعضا خاشع نخواهند شد. از مجموع آیات قرآن کریم به خوبی روشن است که از لوازم انکار ناپذیر به جای آوردن حق تلاوت، همانا کرنش در برابر آیات الهی است که هم بر تلاوت کننده و هم بر شنونده، فرض است که با خشوع در برابر کلام وحی، باطن خویش را به باطن قرآن نزدیک کنند. بدون تردید، تلاوتی با خشوع همراه خواهد بود که قاری در درجه‌ی اول، ایمان واقعی به آیات الهی داشته و نیز همانند بزرگانی باشد که در شرح حال آنان می‌خوانیم که در زمان تلاوت قرآن از خوف پروردگار، بدن‌هایشان به لرزه درمی‌آید (زمر/۲۳). در این باره امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرکس قرآن بخواند و در برابر خدا خاضع و خاشع نباشد و قلبش رقت پیدا نکند و در سر ضمیر خود گرفتار اندوه و بیم نشود، عظمت شأن خدای متعال را سبک شمرده است.» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق: ۴۳/۸۵).
- خشوع، روح تلاوت و در حقیقت همان حضور قلب توأم با تواضع و ادب هنگام تلاوت است. در روایتی از امام رضا علیه السلام مقدار میسور از تلاوت قرآن، به تلاوتی تفسیر شده که در آن، خشوع و فروتنی قلب و صفای باطن باشد (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۵۷۶/۱۰). همچنین پیامبر خدا فرمودند: «إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالتَّخَشُّعِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ ق: ۶۰۴/۲)؛ «سزاوارترین مردم به خشیت الهی در نهان و آشکار، حامل قرآن است.»
- درواقع، تلاوتی نافذ است که قاری، آن را با اشتیاق درونی پایدار، تمرکز حقیقی نیروی فکری و حضور قلب انجام دهد، نه با سستی و کسالت. از این جهت است که در برخی آموزه‌های دینی، از انسان خواسته شده تا زمانی قرآن را بخواند که قلبش آن را می‌پذیرد، فکرش آماده است و روحش به آن پاسخ می‌دهد؛ چراکه در غیر این صورت، به تعویق انداختنش نیکوتر است. از این رو، بر تالیان و قاریان قرآن کریم لازم است که آموزه‌های معصومان علیهم السلام و توصیه‌های بزرگان در باب خشوع را نصب‌العین خود قرار داده و با به کار بستن آن‌ها، خشوع را در شخصیت خود نهادینه کنند تا در رفتارشان، به صورت یک ملکه‌ی اخلاقی ظاهر شود. در این صورت است که تأثیر آن در تمامی جنبه‌های شخصیتی و سلوک اجتماعی ایشان، از جمله در تلاوت قرآن آشکار خواهد شد.

۵. تغنی پسندیده به قرآن

تغنی از ریشه‌ی (غنی) به معنای خواندن با صدای کشیده، زیبا، نازک (ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ۱۳۸۳ ق: ۳۹۱) و آواز طرب‌انگیز (فیروزآبادی، القاموس المحیط، ۱۴۱۷ ق: ۱۷۲۹/۲)، معنا شده و تغنی به قرآن، تلاوت قرآن با صدایی نیکو و مرجع است (سعید، التغنی بالقرآن، ۱۹۷۰ م: ۱۸)؛ برخی آن را به قرائت با صدای بلند و نیکو همراه با خشوع، رقت و اندوه تعریف کرده‌اند (طویل، فن الترتیل، ۱۴۲۰ ق: ۱/۱۵۷)؛ این اصطلاح برگرفته از روایات رسول خدا ﷺ است.

لازم به توضیح است که وجه تمایز مسئله تغنی پسندیده و موضوع تنغیم متناسب آیات، مربوط به، به‌کارگیری درجات، فواصل، مقامات و الحان و به‌صورت کلی جلوه‌های موسیقایی در تغنی و عدم استفاده از این موارد در خصوص تنغیم است؛ چراکه در تغنی پسندیده، تمامی ضوابط و ارکان تلاوت از قبیل تجوید، وقف و ابتدا، صوت و لحن (نغمات) رعایت می‌شود؛ درحالی‌که در تنغیم، اصولاً عنصر لحن نقشی ندارد. تنغیم متناسب با آیات، در مسئله تغنی پسندیده هم می‌تواند رعایت شود؛ گرچه در صورت عدم وجود نغمات (یعنی حالتی از کلام که در دکلمه اتفاق می‌افتد)، سهولت این امر بیشتر است. اینجا هنر قاریان بزرگی همچون شیخ عبدالفتاح شعشعی و شیخ مصطفی اسماعیل مشخص می‌شود؛ چراکه در ترکیب و آمیختن معانی و نغمات، شهره عالم تلاوت هستند.

برخی روایات در خصوص تغنی به قرآن:

«لیس منّا من لم یتغنّ بالقرآن (ناصف، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، ۱۴۰۱ ق)؛ از ما نیست کسی که به قرآن تغنی نکند.»

«ما أذن الله لشيء ما اذن لنبی حسن الترتّم بالقرآن (ابن قدامه، الشرح الكبير، ۱۳۶۲: ۵/۱۷۶)؛ خداوند به چیزی گوش نداده است (یا اجازه نداده است)، آن‌گونه که به صدای قرائت قرآن پیامبر ﷺ خوش‌نغمه گوش (یا اجازه) داده است.»

«ما أذن الله لشيء كإذنيه لنبی یتغنّ بالقرآن (ابن اثیر جزری، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ۱۳۶۷: ۱/۳۳)؛ خداوند به چیزی گوش نداده است (یا اجازه نداده است)، آن‌گونه که به صدای قرائت قرآن همراه با تغنی پیامبر خوش‌صدا گوش (یا اجازه) داده است.»

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود: «رَجَّعَ بِالْقُرْآنِ صَوْتَكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَحِبُّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَرْجَعُ فِيهِ تَرْجِيعاً (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق: ۶/۲۱۲)؛ در هنگام تلاوت قرآن، صدایت را در گلو بگردان، زیرا خدای عز و جل آواز خوش را که در گلو چرخانده شود، دوست دارد.»

تغنی پسندیده و سفارش شده، تلاوت قرآن با صدایی نیکو و پایبندی کامل به احکام و قواعد علم تجوید و صوتی زیبا و نیز فهماندن معانی قرآن و تأثیرپذیری از تلاوت قرآن، مضامین و مفاهیم بلند آیات الهی است.

به عبارت دیگر، تغنی ممدوح، عبارت از آن چیزی است که مطابق با الحان عربی باشد و رعایت لحن عربی نیز عبارت است از بیان حروف از مخارجشان، کشش مدها به اندازه‌ی لازم (رعایت قواعد تجویدی)، بدون سختی در بیان و تکلف و همراه با صدایی زیبا و نیکو به دوراز فشار آوردن بر روی حروف، کشش بیش از حد آن‌ها یا انحراف از حرفی به حرف دیگر، آن‌چنان‌که روحانیون مسیحی در اجرای سرودهایشان و یا گروه‌های سرود و موزیک در هنگام اجرای کنسرت‌های موسیقی انجام می‌دهند؛ زیرا بعضی از کارهایی که راهبه‌های مسیحی یا موزیسین‌ها انجام می‌دهند، به دوراز شأن و مقام قرآن کریم است. برای درک بهتر مسئله تغنی، به دو روایت از پیامبر اکرم ﷺ در خصوص نوع نادرست تغنی (غنا) که به شدت منع و مذمت شده، اشاره می‌شود:

«اقْرؤوا القرآن بالحان العرب و اصواتها و ایاکم و لحن اهل الفسق و اهل الکبائر فانه سبجیء من بعدی اقوام یرجعون القرآن ترجیع الغناء و التوح و الرهبانیه، لا یجوز تراقیهم قلوبهم مقلوبه و قلوب من یعجبه شأنهم (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ ق)؛ قرآن را با لحن عربی بخوانید و از لحن فاسقان و گناه‌کاران دوری کنید؛ زیرا پس از من مردمانی بیایند که قرآن را در گلو بگردانند، همچون آواز خوانندگان و نوحه‌خوانان و کشیشان که این قرائت از گلوی آنان فراتر نرود، دل‌های آن‌ها و هر کس که کار آن‌ها را بپسندد، وارونه و ناسالم است.»

«یتعلمون القرآن لغير الله و یتخذونه مزامیر... و یتغنّون بالقرآن (حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، ۱۴۱۴ قمری)؛ قرآن را برای غیر خدا می‌آموزند و آن را مانند آلات موسیقی استفاده می‌کنند و با آن مرتکب غنا می‌شوند.»

درواقع منظور از تغنی ناپسند به قرآن کریم، تلاوتی است که مناسب شأن قرآن نبوده و به مانند (لهو الحدیث) آدمی را از حق منحرف کند و به غیر او مشغول سازد.

تغنی که برخاسته از معانی و مضامین بلند آیات الهی باشد، مثبت است و شنونده را به تفکر وامی‌دارد؛ اما تغنی که صرفاً برای جذب مخاطب باشد، برگرفته از روح تنوع‌طلبی و جولان موسیقایی قاری است و او را به استفاده نسنجیده و هرچه بیشتر از الحان تهییج می‌کند که البته منجر به تفکر شنونده نمی‌شود.

در وصف تلاوت شیخ مصطفی اسماعیل گفته‌اند: «تعمد و تعهد شیخ، در پیراستن لحن از اضافات تزینی و موسیقایی و اکتفا به لباب لحن، کار او را مجانس و مسانخ با آیات کریمه کرده است. شاید از همین رو باشد که بعضی قائل‌اند به این‌که، او لحن تلاوت را از موسیقی متعارف دریافت نکرده است، بلکه آن را از خود آیات کریمه برداشته و ارائه نموده است.» (کاشفی، هندسه روحانی و لطایف بیانی در قرائت قرآنی، ۱۳۸۸: ۳۵).

تغنی به قرآن کریم، باید علاوه بر گوش‌ها، قلب‌ها را نیز به هیجان و لذت وادارد؛ زیرا تلاوت مطلوب قرآن در فهم و درک معانی آن بسیار مؤثر است. جهت تشخیص و تفکیک تغنی پسندیده از تغنی ناپسند، ضروری است وجوه اشتراک و افتراق موسیقی تلاوت معنا محور، به‌عنوان مظهر تغنی پسندیده به قرآن، با موسیقی مقامی عرب، به‌عنوان یکی از مظاهر غنا، مورد بررسی قرار گیرد.

نگارنده‌ی کتاب «هنر قرائت قرآن»، در چند جا از کتاب خود، در خصوص تفاوت‌های موسیقایی تلاوت با موسیقی مقامی عرب سخن رانده است. او می‌گوید:

«لحن تنغیمی در تلاوت قرآن، در حوزه‌ی تغنی به قرآن پذیرفته است. تنغیم موسیقایی که مناسب شعرخوانی و طرب است، با ساختار متن مقدس مناسبتی ندارد؛ زیرا در شعر، وزن عروضی حاکم است و ایقاعات موجود در آن، از ضرب‌آهنگ معینی پیروی می‌کند. این در حالی است که عبارات و آیات قرآنی با اوزان عروضی در شعر سازگاری ندارند. بنابراین آهنگ کلام، در خواندن شعر با آهنگ تلاوت متفاوت است و هر یک از نظام خاص خود پیروی می‌کند. فرهنگ اسلامی با توجه به ماهیت و طبیعت بی‌همتای قرآن به‌خودی‌خود، یعنی منبع و معنای مقدس متن، قرائت را هنری جدا و متمایز از هنرهای مشابه دیگر، یعنی شعر و موسیقی می‌داند.» (نلسون، هنر قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۱۶).

قاری و خواننده، برای تسلط بر قوانین موسیقی عربی، فرایندهای مشابهی را از سر می‌گذرانند؛ اما این فرایندها درجایی از یکدیگر جدا می‌شوند. قاری باید با ماهیت متن و ارتباطش با موسیقی، دست‌وپنجه نرم کند.» (همان: ۳۲۲).

۱۰۵

«سنت اسلامی بر تمایز آشکار تلاوت قرآن، از تمام شکل‌های موسیقی، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، تأکید می‌کند. استفاده‌ی قاری، تنها از برخی از جنبه‌های موسیقی، به‌خصوص، نظام آهنگین، تکنیک‌های صوتی و زیباشناختی عمومی، باعث تبدیل هنر او به موسیقی نمی‌شود.» (همان: ۳۴۴).

به نظر می‌رسد که اعتراض اولیه نسبت تلاوت آهنگین، به دلیل آشفتن قواعد تجوید به واسطه‌ی جلوه‌های موسیقایی تلاوت باشد. در این باره گفته‌اند: «نغمه‌ای که باعث تحمیل دگرگونی بر تلاوت شود، ممنوع است.» (قاری، المنح الفکریه: شرح القدمه الجزریه، ۱۹۴۸ م: ۲۳)؛ و نیز گفته شده است: «ترجیع و تطریب، موجب تلفظ همزه درجایی می‌شود که همزه‌ای وجود ندارد و به این ترتیب، صوت به سرعت دستخوش تغییر می‌شود. در نتیجه یک واکه‌ی بلند به قدری کشیده می‌شود که خود، به واکه‌های متعددی تبدیل می‌شود. این زیاده‌روی در تلاوت قرآن جایز نیست.» (جوزیه، زاد المعاد، ۱۹۷۰ م: ۱/۱۶۸).

خانم نلسون، توجه به اصالت متن و هدف نهایی تلاوت را موجب تمایز آن از موسیقی می‌داند؛ چراکه تلاوت آرمانی، چیزی غیر از بازی‌های رایج صوت و لحنی در موسیقی است؛ اما در عین حال تأکید می‌نماید، چنین هدف و آرمانی موجب نمی‌شود تا معیارها و قواعد مشترک با موسیقی، توسط قراء زیر پا گذاشته شود. مسئله‌ی مهم در این مناقشه این است که تمامی طرفین دعوا، مبنای استفاده از الحان را رعایت احکام تلاوت می‌دانند؛ اما هرکسی تفسیر خود را از این موضوع ارائه می‌کند. آنچه همگان بر آن اتفاق نظر دارند، این است که نباید استفاده از الحان و مقامات به گونه‌ای باشد که ضروریات متن، همچون قوانین تجوید و وقف و ابتدا نادیده گرفته شود (نلسون، هنر قرآنت قرآن، ۱۳۹۰: ۲۹۴). سپس وی با نقل قول‌هایی از قراء مشهور مصری بر ضرورت رعایت تجوید توسط قاری در حین اجرای نغمات و الحان، تأکید می‌ورزد. نمونه‌هایی از این نظرات بدین شرح است:

در سخنان قاریان بزرگی همچون محمود خلیل الحصری، عبدالباسط محمد عبدالصمد و مصطفی اسماعیل جایگاه آهنگ و لحن پس از تجوید و رعایت اصول تلاوت است و بر این باورند که آهنگ نباید بر تجوید پیشی گیرد (همان: ۳۲۴-۳۲۵).

در یک جمع‌بندی، می‌توان وجوه افتراق موسیقی تلاوت و موسیقی مقامی عرب را در دو محور خلاصه کرد:

۱۰۶

۱. اصالت متن بر مقامات و نغمات در تلاوت قرآن.
۲. وجود حدود مرزهایی در خصوص کمیت و کیفیت استفاده از مقامات و نغمات در تلاوت که باید‌ها و نبایدهایی از جمله لزوم رعایت اصول اولیه‌ی تلاوت قرآن، یعنی تجوید و فصاحت و وقف و ابتدا را موجب می‌شود.

آثار تلاوت معنامحور

۱. تقدیس اهداف تلاوت

شایسته است قاری قرآن در نیت خود را از تلاوت دقت و تأمل کند که آیا هدف و نیت او از شرکت در فلان مجمع و محفل و مسابقه و تلاوت قرآن، پیشی گرفتن از دیگران و کسب وجهه نزد افراد است یا این که هنر خود را در اختیار آیات وحی قرار داده است تا از این طریق دل شنوندگان را برای پذیرش آیات قرآن آماده گرداند؟ در صورتی که هدف اول، محرک او باشد، چه بهتر که دست از تلاوت در مجامع عمومی بردارد و در خلوت قرآن بخواند تا جایی که از آفت ریا و خودنمایی رهایی یابد؛ و اگر هدف دوم انگیزه‌ی وی باشد، بسی سعادت؛ و البته بایستی در این محاسبه و ارزیابی مواظب توجهات شیطان باشد که به تعبیر امام صادق علیه السلام «شرك (یعنی ریا) از حرکت کردن و راه رفتن مورچه پنهان تر است.» (دستغیب، قلب سلیم، ۱۳۸۸: ۱/ ۳۴۴). این ضرورت از آنجا دوچندان می‌گردد که شیطان در تلاوت قرآن راحت تر از دیگر عبادات می‌تواند رخنه کند؛ زیرا تلاوت قرآن با ارائه‌ی هنر تلاوت و جذابیت صوت و لحن همراه است. همین نکته می‌تواند مرکب شیطان، در به انحراف کشاندن انگیزه‌ی تلاوت کننده باشد.

از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل است که فرمودند: «النَّيَّةُ الصَّالِحَةُ أَحَدُ الْعَمَلِينَ (نمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ۱۳۶۶: ۹۲)؛ نیت درست، خود یک نوع عمل است.» همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِهِ وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ يَنْوِي مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَذَرُكَ (ابن بابویه صدوق، علل الشرایع، ۱۳۸۵: ۲/ ۵۲۴)؛ نیت مؤمن بالاتر از عمل اوست، چون گاهی نیت کار خیر می‌کند؛ اما موفق به انجام آن نمی‌شود.»

زمانی که قاری قرآن با این نگرش قرآن کریم را تلاوت کند و تلاوت قرآن را یک امر عبادی دانسته و بر این مسئله باور قلبی داشته باشد، از لحظه‌ی آغاز تلاوت، دراثنای آن و تا پایان تلاوت، خود را حامل پیام الهی برای شنوندگان خواهد دانست و به همین جهت تلاوت برای او امری مقدس و عبادی به حساب می‌آید و این خود باعث تأثیر تلاوت وی در شنوندگان خواهد شد.

خانم نلسون، درباره‌ی حساسیت این موضوع می‌نویسد: «قراء وابسته به پاسخ مخاطب، از هدف آرمانی تلاوت، دور می‌شوند و فقط تلاش می‌کنند، شنونده را شاد کنند. شیخ حصری از جمله افرادی است که وجود هرگونه تفاوت را در میان تلاوت‌هایش در یک استودیو و یا در مقابل جمع، تکذیب می‌کند. او افرادی را که قرائتشان در این دو محیط متفاوت است، به دلیل نداشتن نیت درست در تلاوت، مردود می‌داند. در حقیقت میان معنادار کردن تلاوت برای شنوندگان و جلب نظرشان با مهارت، به اندازه‌ی تار مویی فاصله است.» (نلسون، هنر قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۳۱۲).

شیخ حصری، در وصف تلاوت خود می‌گوید: «من با موسیقی انحراف آمیز و نیز تکرار آیات، میانه‌ای ندارم، کسانی که غیر از این عمل می‌کنند، این کار را برای شاد کردن مردم انجام می‌دهند و بدون تشویق مردم، قادر به انجام آن نیستند؛ آن‌ها برای مردم تلاوت می‌کنند، نه برای خدا.» (همان: ۳۴۰).

تلاوت معنامحور، یعنی تلاوتی که شنوندگان را لبریز از حزن کند؛ زندگی فانی‌شان، قدرت و رحمت خداوند و زیبایی معانی قرآن را به ایشان یادآوری کند. از این‌رو، تلاوت معنامحور، می‌تواند به شکلی کارآمد، از انحراف اهداف مقدّس و معنوی قاری، به سمت وسوی اهداف سخیف و بی‌ارزش مادی، پیشگیری کند و تقدیس اهداف تلاوت، یعنی همین.

۲. احیای جایگاه حقیقی هنر قرائت و قاریان

از معانی گوناگون که در کتاب‌های لغت برای کلمه‌ی (قاری) و جمع آن (قراء) آمده است، برمی‌آید که قرائت در لغت تنها به معنی خواندن نیست، بلکه یک‌بار معنوی را نیز به همراه دارد و قاری بودن با زاهد و عابد بودن همراه است. بی‌شک مفهوم «قراء» در قرن‌های مختلف با هم تفاوت داشته است. در صدر اسلام عنوان قاری قرآن، به مبلغان تمام‌عیار، که در حقیقت عالم به علوم قرآنی مختلف و عامل به قرآن کریم بوده‌اند، اطلاق می‌شده است؛ اما به تدریج درگذر زمان، از بار معنایی این واژه و همچنین از حیظه‌ی وظایف قاری قرآن کاسته شده است.

به‌عنوان نمونه، در ابتدای قرن سوم، «قراء» عموماً به کسانی اطلاق می‌شود که قرائت خاصی از قرآن داشته‌اند، قراء سبعة، قراء ده‌گانه، قراء چهارده‌گانه در این دوران بوده‌اند. این دسته‌بندی از ابن مجاهد نقل شده و روشن می‌کند که ملاک دسته‌بندی او قرائت‌های مختلف است (فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۳۷۵: ۳۵). یا در دوره‌ی فاطمیان، «قراء» به کسانی می‌گفتند که در رکاب خلیفه‌ی فاطمی در شب‌های عرفه به قرائت قرآن مشغول بودند. گروهی نیز به «قراء الحضره» مشهور بودند که در مجالس خلیفه و همراه وی بودند و آیات مناسب حال، قرائت می‌کردند؛ مثلاً اگر خلیفه بر کسی غضب می‌کرد، آیات مربوط به عفو را قرائت می‌کردند (بقلی، التعریف بمصطلحات صبح الاعشی، ۱۹۸۳م: ۲۷۲).

در تعریفی دیگر، قاریان را کسانی دانسته‌اند که صاحب کرسی تعلیم و تدریس قرآن بوده‌اند: «قراء، جمع قاری و به معنی خوانندگان، دانشمندان به علم قرآن و آگاهان به قرآن است.» (حسینی دشتی، معارف و معاریف، ۱۳۷۶: ۸/۲۶۸).

بسیاری از نویسندگان، قاریان را بنیان‌گذاران علوم و نهضت علمی در اسلام دانسته‌اند. قاریان، انتقال‌دهنده‌ی فرهنگ اسلامی از دوره پیامبر ﷺ به نسل‌های بعدی جهان اسلام بودند. آن‌ها به‌عنوان خواص و نخبگان جامعه‌ی اسلامی، محور حرکت‌های فکری، عقیدتی، اجتماعی و سیاسی جامعه شدند. از این‌رو، نقش آنان در تحولات فکری قرن اول، از چند جنبه قابل بررسی است:

در گذشته، واژه‌ی «قاری» بر شخصی که به‌صورت یکجا دارای ویژگی‌هایی مانند: خواننده‌ی قرآن با صوت خوش، حافظ قسمتی از قرآن یا تمام آن، کاتب قرآن، جمع‌کننده‌ی قرآن، معلم قرآن، مفسر قرآن، آشنا به تنزیل و تأویل قرآن و عامل به قرآن اطلاق می‌شده است. از این‌رو، ارائه‌ی تلاوتی مطلوب و مطابق با جریان آیات، می‌تواند نشانگر جایگاه قاری قرآن به‌عنوان: حافظ، مفسر، معلم و عامل قرآن در انظار شنوندگان و نهادینه شدن این نوع نگرش نسبت به قراء قرآن در جامعه باشد؛ چراکه جایگاه قاری قرآن، همان جایگاه رسول اکرم ﷺ در مقام اقراء و ابلاغ و جایگاه معصومان (علیهم‌السلام) در مقام اقراء و تبلیغ است.

۳. ایجاد فضای تفکر، تعقل و تدبیر در محافل

قرآن کریم، خود را قول فصل (طارق/۱۳)، قول ثقیل (مزمّل/۵)، سخن گران‌بها و بزرگ (واقعه/۷۷) می‌شمارد. در واقع این حقیقت، جلوه‌ی معنوی جهان هستی است، زیرا این کتاب از سوی خالق هستی برای انسان به‌عنوان برگزیده‌ی هستی و باشرف‌ترین آفریدگان نازل و تدوین شده است. پس خود قرآن هم به‌عنوان، بخشی از حقایق هستی، قابل تفکر و تعقل است، از این‌رو، به‌دفعات، به تدبیر و تفکر و تعقل در آن سفارش شده است.

غرض اصلی از نزول قرآن، هدایت انسان‌ها به سوی کمال و سعادت واقعی آنان است و این غرض تنها با عمل کردن به دستورات قرآن محقق می‌گردد و عمل به قرآن میسر نیست، مگر پس از فهمیدن آن؛ چه قرآن درصدد بیان آن است و تنها راه رسیدن به این درجه از فهم، تدبیر و تفکر در آیات الهی است. در حقیقت، تلاوت قرآن نیز مقدمه‌ای برای نیل به این هدف است. البته تلاوتی که تصویرگر معارف و مفاهیم ارزشمند آیات باشد. بی‌سبب نیست که قرآن کریم، نه تنها در موارد بسیاری، به تفکر و تذکر و تعقل دعوت کرده، بلکه هدف از فرو فرستادن قرآن را تفکر: «وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/۴۴)، تعقل: «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف/۲) و تدبیر: «لِيَذَّبَرُواْ آيَاتِهِ» (ص/۲۹) اعلام فرموده است. از این‌رو، محافل قرآنی که در آن‌ها تلاوت بر اساس سیر مفاهیم آیات اجرا می‌شود و شنونده هم با تمام وجود به صوت وحی گوش می‌سپارد تا رزق و روزی معنوی خود را از استماع آیات کسب کند، ظرفیتی مناسب برای مهجوریت زدایی از قرآن کریم است.

یکی از رموز موفقیت هنر تلاوت قرآن کریم، در بیان هرچه شیواتر معانی آیات، در این است که قاری می‌تواند با استفاده از ابزارهای صوتی، لحنی و فنی، تصویر روشن‌تر و جذاب‌تری از مضامین و مفاهیم قرآنی را در مقابل شنونده خود قرار دهد... و این مهم‌ترین رمز توفیق تلاوت تنغیمی و بزرگ‌ترین دلیل گرایش جوامع اسلامی، به ویژه مردم مصر به مسئله‌ی استماع قرآن است (شاه‌میوه اصفهانی، معماری تلاوت، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

متأسفانه در برخی محافل قرآنی، شنوندگان با پرداختن و اقبال وافر به برخی زخارف تلاوت قاری، از جمله تحریرها، طول نفس، صرف زیبایی نغمات و صدای قاری و... که خود ابزاری هستند در جهت ارائه‌ی مفاهیم، از رسالت اصلی برپایی محافل انس با قرآن فاصله گرفته و خود را از حظ معنوی و تأثیرات ماندگار تلاوت بی‌بهره می‌سازند. رهبر معظم انقلاب در خصوص حسن استماع در تلاوت می‌فرماید:

«یک تلاوت این است که انسان مثل یک مستمعی بنشیند پای صحبت خدای متعال. خدای متعال دارد با شما حرف می‌زند، مثل این که از یک عزیزی، از یک بزرگی، نامه‌ای به شما رسیده باشد. شما نامه را می‌گیرید می‌خوانید، برای چه می‌خوانید؟ برای این که ببینید، چه برای شما نوشته. قرآن را این جور بخوانید. این نامه‌ی خدای متعال است. امین‌ترین زبان‌ها و دل‌ها این قرآن را از خدای متعال گرفته و به شما رسانده است. ما از آن استفاده کنیم، بهره ببریم.» (سایت khamenei.ir، بیانات در دیدار با قاریان و حافظان قرآن کریم، ۱۳۸۶/۶/۲۲).

لبیب سعید، در انتقاد از برخی پاسخ‌ها از سوی مستمعان نسبت به تلاوت قاری می‌نویسد: «مردم بیشتر از آن که با معنا برانگیخته شوند، با آهنگ تحریک می‌شوند.» (سعید، التغنی بالقرآن، ۱۹۷۰ م: ۱۰۶). او در انتقاد دیگری می‌گوید: «مخاطبان با حرکت دادن بدنشان فریاد می‌زنند، درست همان‌طور که هنگام گوش دادن به غنا این کار را انجام می‌دهند.» (همان: ۱۰۲).

شیخ احمد رزیقی، شنوندگان پر سروصدا را که صدا و ضرب موسیقی را دوست دارند؛ اما به معنای تلاوت نمی‌اندیشند، نکوهش می‌کند و به‌عنوان نمونه، به کسانی اشاره دارد که هنگام تلاوت آیات جهنم و جزا، فریاد شادی برمی‌آورند و درخواست تکرار آیه را دارند (نلسون، هنر قرآنت قرآن، ۱۳۹۰: ۳۱۰).

مقام معظم رهبری نیز، درجایی از فرمایشات خود، این نکته را به شنوندگان یادآور می‌شوند:

«خواهش می‌کنم در تشویق کردن و «الله الله» گفتن که این هم تقلیدی است از عرب‌ها، حد را مراعات کنند... یک وقت شما تحت تأثیر قرار می‌گیرید یا شدیداً زیبا می‌خواند یا شدیداً موثر می‌خواند، بی‌اختیار حالا می‌خواهید تشویق کنید- تشویق قرآن هم طبق آنچه معمول عرب‌ها است، «الله الله» گفتن است؛ البته آن‌ها مخصوص قرآن هم نیست؛ آهنگ معمولی را هم که می‌خوانند «الله الله» می‌گویند. این حالا اشکالی ندارد، من خواهش می‌کنم، خود شماها و در جلساتی که شماها استاد آن جلسات هستید و شرکت می‌کنید، سفارش کنید که در گفتن «الله الله» افراط نکنند؛ آنجایی که واقعاً طرف، خیلی خوب می‌خواند، خیلی زیبا می‌خواند، آنجا خب اشکالی ندارد، تشویق کنند؛ اما این‌که از اول طوری که گاهی انسان فقط انتظار دارد که تا گفت «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»، بگویند «الله اکبر» صحیح نیست.» (سایت khamenei.ir، بیانات در دیدار با قاریان و حافظان قرآن کریم: ۹۴/۳/۲۸)

چه بسا برخی عکس‌العمل‌ها و تشویق‌های بی‌دلیل، جریان تلاوت قاری را نیز عوض کند؛ چون تشویق‌ها نوعی مهر تأیید از سوی حاضران است. ممکن است، قاری بخواهد در تلاوت بر روی بخشی از آیات که معنای خاصی دارد، تأکید کند؛ اما جریان افراطی و بی‌حساب تشویق‌ها، او را به سمتی منحرف سازد که صرفاً تلاش او ایجاد شور و شغف بیشتر در میان جمعیت باشد. به این ترتیب، رفته‌رفته این حسی که از جمعیت به قاری منتقل می‌شود، جریان تلاوتش را عوض می‌کند. از این رو، تقوای تلاوت و تقید قاری به اجرای تلاوت معنامحور، می‌تواند مانع از چنین تمایلاتی در محافل قرآنی گردد که با فلسفه‌ی اصل اقرار قرآن کریم منافات دارند.

آری، قرآن می‌خواهد ما را به درونمان بازگرداند و این را به ما گوشزد کند که در من تأمل، تعمق، تدبیر و تفکر کنید. از این رو، تلاوت معنامحور و هدفمند قاری، می‌تواند مستمع آیات الهی را مجاب به تدبیر و تعمق در آیات هدایتگر قرآن کند تا از این راه، این حجاب ضخیم غفلت را که به فرمایش امام سجاد (علیه السلام) ناشی از دوستی دنیا است، «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ ق: ۱۳۱) را از رخ حقیقت کنار زده، مهیای عمل به احکام و فرامین الهی گردد.

۴. تنوع و لحن آفرینی در تلاوت

بالاترین و والاترین مرتبه در هر هنری، رسیدن به مرحله‌ای است که به ارائه‌ی سبکی جدید و مستقل توسط هنرمند منتهی می‌شود. در هنر تلاوت قرآن هم از میان خیل عظیم قاریان مصری، تنها آن‌هایی به این مهم دست یافته‌اند که از شرایط استعداد لازم و پشت‌کار و جدیت برخوردار بوده‌اند. اگرچه عوامل مختلفی از قبیل: تسلط کافی بر علوم و فنون تلاوت، برخوردار بودن از ذوق، قریحه و نبوغ موسیقایی لازم، آگاهی و وقوف لازم بر میراث لحنی نسل‌های پیشین قراء، تسلط عملی بر نغمات و ردیف‌های لحنی، برخوردار بودن از یک صدای

قابل قبول و مطلوب (شاه‌میوه اصفهانی، معماری تلاوت، ۱۳۸۹: ۷۰)، در ایجاد سبک در تلاوت قرآن مؤثرند؛ اما بی‌تردید باید در کنار موارد ذکر شده، رویکرد معنامحوری در تلاوت را نیز به‌عنوان یکی از عوامل مهم که می‌تواند منجر به خلق ردیف‌های لحنی جدید و حتی ایجاد سبک جدید در تلاوت شود، به‌شمار آورد.

بیشتر قراء کلمات و نغمات را برخلاف قرائت آهنگین، با هم حفظ می‌کنند و قادر به بداهه‌خوانی نیستند؛ اما شیخ مصطفی اسماعیل، گاهی به خاطر نمی‌آورد که چگونه قرائت کرده است. درواقع، بهترین قاریان به دلیل نوآوری و گسترش بی‌پایان کارشان، از همکاران کم‌تجربه‌تر جدا می‌شوند. در نكوهش برخی قراء گفته‌اند که ایشان به مدت بیست سال به همان شیوه تلاوت کرده‌اند.» (نلسون، هنر قرائت قرآن، ۱۳۹۰: ۳۳۳).

وجود قاری، همچون پردازشگری است که ورودی آن، الحان و نغماتی است که در او اثر فراوان به‌جای می‌گذارد. پردازشگر آن، حس و حال و میزان درک و ارتباط او با مفاهیم والای آیات است که آزادانه و به‌صورت دائمی در حال زمزمه و پردازش آن‌هاست و خروجی آن، اصوات و الحانی است که برگرفته از حس او و بر اساس فضای حاکم بر زمان و مکان تلاوت و ساختار آیات و مضامین آن در شخص قاری پدید می‌آید. درواقع، این خلاقیت برگرفته از حافظه‌ی لحنی قاری با مدیریت حس درونی اوست. قاری حاذق برای این‌که استعداد ذاتی و موسیقایی او در زمینه‌ی لحن بروز کند، خود را با اکتفا به یک دسته از نغمات و الحان خاص، محدود نمی‌کند. ورود الحان در ذهن قاری و پردازش درونی آن باید به‌قدری زیاد باشد که پردازشگر اصلی وجود، یعنی حس برخاسته از معانی از آن تبلور یابد. این‌که قاری به محتوا و معنای آیه فکر کند، مؤثرترین قدم برای ابداعات لحنی است؛ چراکه فکر کردن، لحن قاری را تحت الشعاع قرار داده و در تلاوت وی مؤثر است.

سلطان‌پناه، در این باره می‌نویسد: «قاری قرآن باید مسلط به موسیقی و ردیف‌ها و نغمات باشد، ولی درنهایت این آیات الهی باشند که خود، طلب یک نغمه یا لحن را بنمایند.» (سلطان‌پناه، مبانی موسیقایی الحان و نغمات قرآن کریم، ۱۳۸۲: ۱۴۰).

استاد شاه‌میوه اصفهانی، می‌گوید: «در پاره‌ای از موارد، نوابغ و نخبگان فن تلاوت، همچون شیخ محمد رفعت و شیخ مصطفی اسماعیل - که رویکرد معنامحوری در تلاوتشان مشهود است - به خلق و ابداع ردیف‌ها و الحانی توفیق یافته‌اند که پیش از آن سابقه نداشته است؛ به‌گونه‌ای که این الحان حتی مورد توجه موسیقی‌دانان برجسته‌ی عرب نیز قرار گرفته و آنان از این الحان در ساخت آهنگ‌های خود بهره‌جسته‌اند.» (شاه‌میوه اصفهانی، معماری تلاوت، ۱۳۸۹: ۱۱۱).

میرزایی می‌نویسد: «آهنگساز بزرگ مصری، ریاض السنباطی، در مصاحبه‌ای اذعان کرده که دو آهنگ دینی خود به نام‌های «نهج البرده» و «وُلد الهدی» را با استفاده از الحان قرآنی مصطفی اسماعیل، قاری شهیر مصری ساخته است.» (میرزایی، الزمن الجمیل، ۱۳۸۸: ۱۵). نتیجه این‌که، برای قاری مشرف بر ملزومات تلاوت معنا محور، با توجه به تفاوت‌های شخصیتی، روحیات، احساسات، نکته‌سنجی‌ها، تجربه‌ی تلاوت، فضای حاکم بر تلاوت، استعداد ذاتی و برداشت‌های متفاوت از آیات (البته منطبق بر سیاق آن‌ها)، زمینه‌ی خلق آثار بدیع و لحن آفرینی در چارچوب تلاوت معنا محور وجود دارد.

۵. زمینه‌سازی برای گسترش سبک زندگی قرآنی

با توجه به اهمیت تبلیغ و ترویج معارف قرآن و شریعت اسلام، فهم و انتقال معنا در تلاوت امری ضروری است. ارائه‌ی یک تلاوت منطبق با معنا و دل‌نشین می‌تواند به اندازه‌ی چندین ساعت آموزش و تبلیغ مؤثر واقع شود و دل‌های آماده را به قرآن و اسلام متمایل گرداند. بر اساس آیات و روایات، قرآن، ریسمان محکم الهی و واسطه‌ی میان خدا و خلق و شفابخش امراض روحی و جسمی و بلکه شفادهنده‌ی بالاترین دردها یعنی کفر و نفاق، کوردلی و گمراهی است. قرآن کریم کتابی است که اسباب رشد و تعالی انسان را در دنیا فراهم کرده و در قیامت، از پیروان خود در پیشگاه خداوند شفاعت می‌نماید و اسباب ورود آنان را به بهشت و برخوردارگی از نعمت‌های جاویدان آن فراهم می‌کند.

از آثاری که قرآن برای تلاوت بیان می‌کند می‌توان به اظهار ایمان و اقرار به حقانیت قرآن (قصص/۵۳)، امیدواری به پاداش همیشگی (فاطر/۲۹)، متذکر شدن (دخان/۵۸) تعلیم معارف الهی به مردم (بقره/۱۲۹ و ۱۵۱؛ جمعه/۲)، ایجاد حجاب میان کافران و مؤمنان (اسراء/۴۵)، ایجاد خشوع و خضوع (اسراء/۱۰۷ و ۱۰۹)، افزایش ایمان و توکل (انفال/۲)، جلوگیری از کفر و ارتداد (آل عمران/۱۰۰ و ۱۰۱) و ... اشاره کرد.

تحقق این آثار و برخوردارگی از برکات ذکر شده، زمانی محقق خواهد شد که مؤمنان به قرآن کریم تمسک جسته و این کتاب هدایت بخش را آن‌گونه که خداوند در کتاب خود سفارش نموده و مفسران حقیقی قرآن یعنی اهل بیت علیهم‌السلام بر آن تأکید کرده‌اند، با آداب و شرایط تلاوت نمایند و در غیر این صورت، رجوع به قرآن و تلاوت این کتاب الهی نه تنها باعث رشد و تعالی انسان در دنیا و آخرت نخواهد گردید، بلکه گاه اسباب دور شدن تلاوت کننده را از این کتاب الهی و آثار سودمند آن فراهم خواهد کرد.

چون قرآن کریم ذکر است (ص/۴۹)، مقابل ذکر و تذکر، طغیان، غفلت، افراط، معیشت ضنک، کوری و عذاب و دیگر عقوبت‌هایی است که قرآن کریم بارها از آن سخن گفته است. ذکر درباره‌ی آدمی، از مراتب عالی خود آغاز می‌شود و تا مدارج عادی و روزمره‌ی آن امتداد می‌یابد. ذکر می‌تواند همان آگاهی و یادی باشد که از عالم بالا می‌آید و به آدمی هویت، خودآگاهی و مسئولیت انسان بودن می‌بخشد. با توجه به تقدم و تأخر سوره‌های مزمل و مدثر تا زمانی که پر کردن ظرف گوش دل‌وجان با ﴿وَرَتَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا﴾ (مَزْمَل/۴) محقق نشود، آن «قیام» و «انذار» و «تکبیر» روز محقق نخواهد شد ﴿قُمْ فَأَنْذِرْ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ﴾ (مَدَّثَر/۲-۳). البته بنای کار بر این نیست که قرآن از همان زمانی که در ذهن و حافظه‌ی مستمع وارد می‌شود، اثر خود را بر جای بگذارد. چنان‌که شأن‌متون ادبی و علمی زبان‌های دنیا چنین نیست. آنچه مهم است، ورود قرآن کریم به ذاکره و قلب است که اگر به‌صورت صحیح وارد قلب و ذاکره‌ی متعلم شود، نمی‌تواند قرآنی منفعل و خنثی باشد، بلکه قرآنی فعال و اثرگذار در تمام عرصه‌های زندگی خواهد بود (خوش‌منش، اصل‌إقراء قرآن بر مردم و لوازم آن، خشوع در تلاوت، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۷). ایجاد جامعه‌ی قرآنی و به تبع آن تحقق سبک زندگی اسلامی، می‌تواند به معنای واقعی، تمدن نوین اسلامی را به ارمغان آورد. مقام معظم رهبری در اهمیت جایگاه سبک زندگی می‌فرماید: «هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است.» (سایت khamenei.ir، بیانات در دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

در میان هیاهو و غوغای توجه به مسائل مادی، رفت و آمدها و وظایف شخصی که هر کسی در طول روز انجام می‌دهد، گاهی نیاز دارد که به او هشدار دهند و یاد خدا را در تمامی امور به او متذکر شوند. معمولاً تذکر بیشتر از طریق منابر صورت می‌پذیرد. ولی چه زیباست که مردم وقتی را به قرآن کریم و استماع آیات اختصاص بدهند و از طریق خود آیات قرآن، وعظ و پند بگیرند. قرآن بارزترین منبع عظیم ذخایر الهی، معجزه‌ی آخرین فرستاده‌ی خداوند و کتاب زندگی است. کتابی که زمینه‌ساز حیات طیبه برای بشریت است. تحولاتی که امروز در بسیاری از جوامع به وجود آمده، به وضوح نشان می‌دهد که انسان عصر حاضر، تشنه‌ی معنویت بوده و بی‌شک بهره‌گیری از این گنجینه‌ی عظیم و انطباق زندگی پرتلاطم امروز با زندگی تصویر شده در قرآن، انسان حقیقت‌یاب را به تعالی و سعادت راهنمایی می‌کند.

گرچه ترویج فرهنگ قرآنی راهکاری است که همواره در سال‌های گذشته به‌طور ویژه در دستور کار متولیان امر قرار گرفته؛ اما توجه ویژه به این موضوع امری ضروری است. هنگامی که در یک جامعه‌ی اسلامی، مردم درک صحیحی از آیات قرآن داشته باشند، می‌توان

زندگی به سبک اسلامی که بر اساس معیارهای قرآنی است را در آن جامعه تشکیل داد. تلاوت معنامحور، آیات انسان‌ساز قرآن کریم را دل‌وجان شنونده می‌نشانند و این‌گونه زمینه‌ی عمل به این آیات را برای او در زندگی روزمره‌اش فراهم می‌آورد و زمینه‌ساز اصلاح وی می‌شود و او از این شایستگی برخوردار می‌گردد تا به مقام اهل تقوا و رستگاری برسد؛ چراکه تلاوت آیات الهی، زمینه‌ساز تقوایبشگی انسان به شمار می‌رود (اعراف/۳۵) و موجب می‌شود انسان در زمهری صالحان قرار گیرد (آل عمران/۱۱۳-۱۱۴). از این‌رو، تلاوتی که مفاهیم و معارف قرآن کریم را بر دل‌وجان شنوندگان می‌نشانند، می‌تواند زمینه را برای عمل به این معارف ارزشمند و تحقق سبک زندگی قرآنی در جامعه فراهم کند.

نتیجه

این پژوهش به منظور بررسی جایگاه معنامحوری در تلاوت قرآن کریم انجام شد. با استفاده از یافته‌های این نوشتار می‌توان گفت:

۱. رویکرد معنامحوری در تلاوت قرآن، اساس یک تلاوت مطلوب است.
۲. قاری قرآن برای ارائه‌ی یک تلاوت معنامحور، در کنار تیت و هدف صحیح، نیازمند فراگیری ملزومات مهمی همچون، تسلط بر علوم تجوید، وقف و ابتدا، اختلاف قرائات، تفسیر و فراگیری مهارت‌های صوتی، تنغیمی و القای معانی و نیز قدرت تمرکز و حس‌گیری مناسب، توانایی تلاوت از حفظ و مخاطب‌شناسی است.
۳. تلاوت معنامحور دارای شاخصه‌های بارزی همچون، تأثیرگذاری، حس و لحن بیانی متناسب با آیات، خشوع و حضور قلب و تغنی پسندیده به قرآن کریم است.
۴. آثار ارزشمندی بر این فرهنگ از تلاوت، مترتب است که از آن جمله می‌توان به، تقدیس اهداف تلاوت، احیای جایگاه حقیقی قاری و إقراء قرآن کریم در جامعه، ایجاد فضای تفکر، تعقل و تدبر در محافل، تنوع و لحن آفرینی در تلاوت و زمینه‌سازی برای گسترش سبک زندگی قرآنی اشاره کرد.

۵. جهت رسیدن به یک جامعه‌ی مأنوس و عامل به دستورات و معارف قرآن کریم، لازم است مسئله‌ی معنامحوری در تلاوت مورد توجه ویژه‌ی نهادها و جامعه‌ی قرآنی قرار گیرد.

پی‌نوشت‌ها

[۱] آهنگ گفتار یا تنغیم «intonation».

[2] intonation tones.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۳.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الاثر، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۳۸۳ ق.
۳. ابن بابویه صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، کتابفروشی داوری، قم: ۱۳۸۵.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، به کوشش: عبدالسلام محمد، مکتب الاعلام الاسلامی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن قدامه، عبدالرحمن، الشرح الکبیر، دارالفکر، بیروت: ۱۳۶۲.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، به کوشش: جمال الدین میر دامادی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۷. انیس، ابراهیم، آواشناسی زبان عربی، ترجمه: ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو، انتشارات اسوه، قم: ۱۳۸۴.
۸. بقلی، محمد قنديل، التعریف بمصطلحات صبح الاعشی، الهیئه المصریه العامه، قاهره: ۱۹۸۳ م.
۹. پینکستر بور، هوگو، آوازخوانی، ترجمه: سعید مجیدی، انتشارات آبان، تهران: ۱۳۹۴.
۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، به کوشش: مصطفی درایتی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۳۶۶.
۱۱. جوزیه، ابن قیم محمد بن ابی بکر، زادالمعاد، بی نا، قاهره: ۱۹۷۰ م.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم: ۱۴۰۹ ق.
۱۳. — هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، آستانة الرضوية المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد: ۱۴۱۴ ق.
۱۴. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، دانش، قم: ۱۳۷۶.
۱۵. دستغیب، عبدالحسین، قلب سلیم، به کوشش: محمد هاشم دستغیب، مؤسسه دارالکتاب، قم: ۱۳۸۸.

۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن. به کوشش: صفوان عدنان داوودیان، القلم - الدار اولالشمیه، بیروت - دمشق: ۱۴۱۲ ق.
۱۷. سعید، لیب، التغنی بالقرآن، مطبعه الثقفیه، قاهره: ۱۹۷۰ م.
۱۸. سلطان پناه، حسن، مبانی موسیقایی الحان و نغمات قرآن کریم، انتشارات اسوه، قم: ۱۳۸۲.
۱۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۲۰. شاه میوه اصفهانی، غلامرضا، معماری تلاوت، انتشارات تلاوت، تهران: ۱۳۸۹.
۲۱. — هنر تلاوت، انتشارات تلاوت، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، ترجمه رضا ستوده، انتشارات فراهانی، تهران: ۱۳۶۰.
۲۴. طویل، احمد، فن الترتیل، مجمع الملك الفهد، مدینه: ۱۴۲۰ ق.
۲۵. عروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، به کوشش: هاشم رسولی محلاتی، اسماعیلیان، قم: چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۲۶. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، دار الآفاق الجدیدة، بیروت: ۱۴۰۰ ق.
۲۷. عکاشه، محمود، التحلیل اللغوی، دارالنشر للجامعات، القاهره: ۲۰۰۱ م.
۲۸. فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، هجرت، قم: چاپ دوم، ۱۴۰۹.
۲۹. فضلی، عبدالهادی، القراءات القرآنیة، سازمان حج و اوقاف، تهران: ۱۳۷۵.
۳۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، به کوشش: مرعشی، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۷ ق.
۳۱. قاری، علی بن سلطان محمد، المنح الفکریه: شرح القدمه الجزریه، مکتبه و متباعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده، قاهره: ۱۹۴۸ م.
۳۲. کاشفی، امیر محمود، هندسه روحانی و لطایف بیانی در قرائت قرآنی، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، تهران: ۱۳۸۸.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۳۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

۳۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۸.

۳۶. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم: ۱۴۲۸ ق.

۳۷. موسوی، مناف مهدی محمد، علم الاصوات اللغویه، عالم الکتب، بیروت: ۱۴۱۹ ق.

۳۸. میرزایی، امین، الزمن الجمیل، مهر قائم، اصفهان: ۱۳۸۸.

۳۹. ناصف، منصور علی، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، استانبول: ۱۴۰۱ ق.

۴۰. نجمی، کمال، اصوات و اغانی عربیه، دار الهلال، قاهره: ۱۹۶۸ م.

۴۱. نلسون، کریستینا، هنر قرائت قرآن، ترجمه: محمدرضا ستوده‌نیا و زهرا جان نثاری، نشر زمان نو، تهران: ۱۳۹۰.

۴۲. یاور، فرنگیس، ساز حنجره، انتشارات سوره مهر، تهران: ۱۳۹۶.

سایت‌ها

۴۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (khamenei.ir).

مقالات

۴۴. خوش‌منش، ابوالفضل، «اصل إقراء قرآن بر مردم و لوازم آن» خشوع در تلاوت و خاستگاه اصطلاحات تجویدی» (مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها) اول، ۱۳۹۱.

۴۵. عارف حسینی، نصرت‌الله، «ویژگی‌های تلاوت استادانه»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن، اول: ۱۳۹۲.